

## کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران  
Tel: 0049 1633458007  
E-mail: asagaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان نسرین رمضانلی  
Tel: 00491757377539  
E-mail: pramzanali@yahoo.de

# ایسکرا ۳۵۰

اساسی سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

[www.iskraa.org](http://www.iskraa.org)

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲ اسفند ۱۳۸۵، ۲۱ فوریه ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدال کلپریان [abdolgolparian@yahoo.com](mailto:abdolgolparian@yahoo.com)

### دو روز اعتصاب خطاری و قدر تمند معلمان



طبق گزارشی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، روزهای دوشنبه و سه شنبه ۳۰ بهمن و اول اسفند، معلمان مناطق ۲۲ گانه تهران و بسیاری از شهرهای بزرگ کشور دست به دوردوز اعتصاب خطاری زدند و از رفتن به کلاسهای درس خودداری کردند. معلمان اخطار کرده اند که چنانچه به خواستهای آنها رسیدگی نشود بار دیگر در اسفندماه دست

صفحه ۳

### "دولت کردی" پرچم ناسیونالیسم و قومپرستان کرد است دولت کردی نتیجه منطقی فدرالیسم قومی است.

علیزاده دبیر اول سازمان کومله در کردستان ایران به بهانه سالروز این سازمان آلترناتیو خود را این چنین بیان کرده است: ابراهیم علیزاده



محمد آسگران

در مورد آینده کردستان گفتند: کومله در پی تامین عملی حق تعیین سرنوشت مردم کردستان است و در هر بخشی از کردستان که از قید حاکمیت مرکزی رها شود برنامه اجتماعی معینی را که متضمن آزادیهای نامحدود سیاسی و رفاه و آسودگی بیشتر برای اکثریت مردم این جامعه است برای تصویب به شورای نمایندگان مردم تقدیم خواهد کرد و برای عملی کردن آن تلاش می نماید. در همین رابطه اضافه کردند فدرالیسم و خودمختاری شاید برای به قدرت

رسایندن این با آن حزب راه حل مناسبی باشند اما قادر به رفع ستم از مردم کردستان نیستند. همچنین تاکید شد که ما از طریق فعالیت سراسری خود تلاش میکنیم که کارگران و مردم زحمتکش در سایر مناطق ایران را به لزوم دفاع بدون قید و شرط از حق تشکیل دولت مستقل کرد در کردستان ایران متقاعد کنیم و از این طریق پیوندهای مبارزاتی مردم کرد با مردم سایر مناطق ایران را محکم تر سازیم

صفحه ۲

با توجه به اوضاع سیاسی متحول ایران و منطقه جریانات و احزاب اپوزیسیون ایرانی از راست تا چپ در صدد ارائه طرح و آلترناتیو خود به جای رژیم جمهوری اسلامی هستند. هر کدام از احزاب و جنبشهای سیاسی موجود تلاش میکنند که طرح خود برای اداره جامعه و تصویر خود از آیند جامعه ایران را به مردم معرفی کند. ابراهیم

### تجمع کارگران نساجی کردستان

صفحه ۳

کارفرمای کارخانه آجر پزی "شیل"  
۸ نفر از کارگران این کارخانه را اخراج کرد

صفحه ۳

### شما هم قربانی قوانین وحشیانه و سنتهای ارتجاعی



صفحه ۴

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

## "دولت کردی" پرچم ناسیونالیسم و قومپرستان . . .

کردی در استکهلم ایراد شده است "دولت مستقل کردی" گفته شده است.

این نقل قول بالا به روشنی استراتژی حزب نامبرده در کردستان ایران را بیان میکند. هر چند تصویر و آلتزاتیو مشخص این حزب برای ایران حد اقل در این سخنرانی بیان نشده و ناروشن است، اما در مورد کردستان بطور واضحی تاکید کرده اند که حق تشکیل "دولت مستقل کردی" در کردستان ایران استراتژی این سازمان است. اما میگویند این "دولت کردی" بر مبنای شوراهای نمایندگان مردم باشد.

نکته قابل توجه دیگر این سیاست "نقد" آنها به فدرالیسم و خودمختاری است. اگرچه کومه له خودمختاری و فدرالیسم را راه حل خود نمیداند اما نقد آنها به این طرحهای ارتجاعی این است که این طرحها شاید برای به قدرت رساندن این احزاب (احزاب مدافع این طرحها) راه حل مناسبی باشد اما قادر به رفع ستم از مردم کردستان نیستند.

گویا قرار است احزاب ناسیونالیست کرد با این طرحها رفع ستم کنند که آقای علیزاده در مخالفت با آن میگوید این طرحها ستم را رفع نمیکند. این نقد نیست رقابت با احزاب رقیب است. آقای علیزاده در مقابل دولت کردی احزاب ناسیونالیست و قومپرست کرد همان "دولت کردی" را راه حل خود معرفی کرده و تنها تفاوت این سازمان که خود را یک سازمان چپ و کمونیست معرفی میکنند این است که دولت کردی آنها بر مبنای شوراهای نمایندگان مردم خواهد بود.

در مورد فدرالیسم هم نقد آنها به مبنای قومی و تفرقه افکنانه آنها نیست بلکه نقدشان این است که طرحی برای به قدرت رساندن احزاب معرفی میکند و گویا اشکال این است که رفع ستم نمیکند و فقط احزاب را به قدرت میرساند.

اجازه بدهید این دو مولفه و محور سیاست احزاب ناسیونالیست و قومپرست کرد که بخشا مورد توافق و بخشا مورد اعتراض آقای

علیزاده قرار گرفته است را کمی بشکافیم:

### "حق دولت مستقل کردی"

هر کسی که این ترمینولوژی را بشنود اولین عکس العمل و سوالش این است چرا "دولت کردی" مگر ما در ایران عراق و ترکیه و... دولت فارسی، دولت عربی و دولت ترکی و... را پذیرفته ایم تا اکنون "دولت کردی" را بپذیریم؟

این ترمینولوژی حتی از دستاوردهای بورژوازی مدرن منتقد سیستم ماقبل سرمایه داری هم عقبتر است. این امر بدیهی که دولت و قانون نباید مبنای قومی، ملی، و مذهبی داشته باشد اولین قربانی این مطالبه است. "دولت کردی" معنی مشخصی دارد یعنی دولت کردها، یعنی اگر افراد غیر کرد در منطقه کردستان و تحت حاکمیت "دولت کردی" زندگی کنند حقی ندارند، زیرا دولت کردی است، و بر مبنای قومی تشکیل شده است. این ترمینولوژی اتفاقی نیست که در ادبیات کومه له راه باز کرده است. این یک اشتباه لپی نیست. این تسلیم شدن به گرایش ناسیونالیسم کرد است.

اخیرا ترم "کردی" شکل و معانی پررنگتری در ادبیات کومه له پیدا کرده است و به این معنی به طرف ناسیونالیسم کرد چرخش بیشتری در کومه له دیده میشود. ناسیونالیسم سنتی کرد سالها است که شعار دولت کردی را مطرح کرده است تا کنون کومه له خواهان دولت شوراهای مردم کردستان بوده است. اکنون یک شبه و ناگهانی خواست "دولت کردی" مطرح میشود و میخواهد مردم ایران را هم متقاعد کند که دولت قومی ایشان که "شورایی اداره میشود" را برای مردم کردستان بپذیرند!! این یک چرخش آشکار به سمت ناسیونالیسم کرد است. به همین دلیل آقای علیزاده نقدی مضمونی به طرح خودمختاری و فدرالیسم ندارد. تنها نقد ایشان این است که میگوید احزاب ناسیونالیست کرد برای به قدرت رسیدن خودشان این طرح را بکار گرفته اند. گویا آقای علیزاده

نمیخواهد حزیش به قدرت برسد بلکه میخواهد "شوراهای مردم دولت کردی" تشکیل دهند!

اشکال دیگر متد آقای علیزاده این است که گویا احزاب ناسیونالیست تنها به این دلیل که میخواهند حزیشان به قدرت برسد باید نقد شوند. چون ایشان جناح چپ "جنش کردستان" است میخواستند مردم به قدرت برسند. کلمه "جنش کردستان" هم از آن دسته تعاریف و ادبیات تازه است که کومه له اخیرا با علاقه آنرا تبلیغ میکند.

این متد برخورد پوپولیستی و اپورتونیستی است. حقیقت این است احزاب چپ یا راست برای این حزب درست کرده اند که به قدرت برسند. قدرت را با حزب میتوان گرفت. اینکه دولت بر چه مبنایی تشکیل میشود و تا چه اندازه مردم در سرنوشت خود دخالت میکنند موضوع سیاست این احزاب است. اما این امر داده شده و واضحی است احزاب چپ و راست برای این درست شده اند که قدرت را بگیرند. ماهیت احزاب و ماهیت دولت یک بحث جداگانه ای است و آقای علیزاده هم اینرا میدانند.

قانون گذاری و اجرای قانون در دولتهای بورژوازی از طریق پارلمان و به شکل نیابتی در جامعه عملی میشود و دولت مجری قوانین مصوب پارلمان است. اما در دولت شوراهای مردم از طریق دخالت مستقیم در قانونگذاری و اجرای قانون این کار را میکنند. اما آقای علیزاده در همین سطح از بحث، دولت مورد نظر خودش را قومی اعلام کرده است. او خواهان "دولت کردی" شده است. ناسیونالیستهای کرد هم همین کار را کرده اند. تنها تفاوت ایشان به عنوان جناح چپ ناسیونالیسم کرد با احزاب ناسیونالیست سنتی و قومپرست در این است که ایشان مدعی است شوراهای نمایندگان در این دولت نقش دارند و گویا گناه احزاب ناسیونالیست این است که میخواهند خودشان قدرت را بگیرند.

انصافا باید بگوییم که اگر

اختلاف فقط این است جریانانات ناسیونالیست واقعبین تر و سر راست تر از آقای علیزاده حرف میزنند. زیرا این یک امر پذیرفته شده جامعه مدرن است که احزاب قدرت را میگیرند. حال اینکه سیستم اقتصادی چه ماهیتی دارد، در این جدل کنونی نه آقای علیزاده و نه احزاب ملی و قومی در کردستان چیز متفاوتی نگفته اند و تفاوت ماهوی با هم ندارند. در مورد سیستم اقتصادی هر دو میگویند باید عدالت باشد. هیچ حزب بورژوازی نمی آید آشکارا بگوید استثمار خوب است. همچنانکه از بوش و خامنه ای هم تا حالا نشنیدیم که بگویند استثمار را سازمان میدهند. از میان همه احزاب و جریانانات راست تا کنون کسی را پیدا نمیکنید که بگوید باید دولت سرکوب و استثمارگر را سازمان داد.

بنابر این اعلام اینکه یک حکومت آزادی و عدالت را باید پاسداری کند شعار تمام احزاب راست هم هست. آقای علیزاده حتی تلاش نکرده است که تفاوتش را در این بحث با جریانانات ناسیونالیست بیان کند. معلوم است هنگامی که "دولت کردی" میشود نمیتواند ماهیت اقتصاد سوسیالیستی را برایش مطالبه کند.

این یک عقبگرد آشکار است. چپ کومه له دارد به سمت گرایش ناسیونالیست کرد جهت خود را تغییر میدهد. این یک تغییر ماهوی را نشان میدهد. چپ در کومه له این شانس را داشت که با پرچم حاکمیت شورایی و سوسیالیسم شناخته شود. اما متأسفانه چنان پیدا است که دولت کردی جانشین سوسیالیسم کومه له میشود.

**فدرالیسم و خود مختاری**  
با توجه به اینکه اکنون از میان جریانانات ناسیونالیست کرد کسی مدافع خودمختاری نیست بهتر است در مورد فدرالیسم بحث را متمرکز کنیم. ما بارها گفته و نوشته ایم. فدرالیسم یک سیاست قومپرستانه و مغرب به حال جامعه است. کسی نمیتواند فدرالیسم را که بر مبنای قومیت مطرح شده است را یک سیستم حکومتی متعارف معرفی کند. بر عکس فدرالیسم در این دوره و زمانه هر جا مطرح شده و یا عملی گردیده است مبنایی قومی - ملی داشته است. مدافعین این سیستم از زاویه دفاع از "قومیت خود و ملت خود" دارند از این طرح حمایت میکنند. معلوم است هنگامیکه سیستم حکومتی فدرالیسم قومی معرفی میگردد دولت هم کردی و قومی نامگذاری میشود.

آقای علیزاده یک طرف این معادله (دولت کردی) را پذیرفته و با فدرالیسم مخالف است. قطعاً مخالفت ایشان با فدرالیسم این یک قدم به جلو است اما نقد ایشان به فدرالیسم نه به ماهیت قومپرستانه و ملی گرایانه آن بلکه گویا اشکال آنجا است که احزاب رقیب ایشان از این طرح برای به قدرت رسیدن خود استفاده میکنند. در حالیکه فدرالیسم امروز از جانب هر کسی مطرح میشود نمیتواند مبنای قومی ملی نداشته باشد. زیرا ضرورت چنین طرحی از نیاز جریانانات قومی برای رسیدن به قدرت و ایجاد تفرقه و میدان دادن به جنگهای قومی بوده است. فدرالیسم سیاستی ضد جامعه و بدون هیچ پایگاه و پیشینه تاریخی در جامعه ایران است. این طرح و مدافعین آن را باید افشا و طرد کرد.

۱ اسفند ۱۳۸۵

**تلویزیون انترناسیونال**  
**هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰**  
**به وقت تهران**

**به ایسکرا**  
**کمک مالی کنید**

## تجمع کارگران نساجی کردستان

شیث امانی دبیر هیئت موسس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در این تجمع بازداشت و پس از یک ساعت آزاد شد

نیروهای انتظامی با تعرض به کارگران معترض قصد پراکنده کردن این تجمع را داشتند که با مقاومت کارگران روبرو شدند. با بازداشت شیث امانی کارگران یکصدا اعلام کردند تا شیث امانی آزاد نشود به تجمع خود ادامه خواهند داد. قاطعیت و اتحاد کارگران نساجی باعث شد که نیروهای انتظامی او را بعد از یک ساعت آزاد کنند. تجمع کارگران در مقابل اداره کار هنگامی پایان یافت که شیث امانی آزاد شد.

کارگران نساجی کردستان از ساعت ۱۰ صبح روز ۲۵/۱۱/۱۳۸۵ در مقابل اداره روابط کار استان کردستان با خواست ابقا در کار دست به تجمع زدند. این تجمع که حدود ۱۵۰ نفر از کارگران در آن شرکت داشتند با تعرض نیروهای امنیتی در محل روبرو شدند و شیث امانی دبیر هیئت موسس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار و نماینده کارگران نساجی کردستان بازداشت شد.

کارگران بدون محدودیت زمانی تا اشتغال بکار آنان ۳- در صورت عدم پذیرش دو خواست فوق اجرای بازنشستگی پیش از موعد همه کارگران ۴- چنانچه هیچکدام از خواسته های فوق اجابت نشود پرداخت وام ده میلیون تومانی به همه کارگران با زمانبندی باز پرداخت ده ساله و پرداخت آن بدون قید و بندهای سفت و سخت اداری موجود

لازم به توضیح است که چند روز قبل یکی دیگر از اعضا هیئت موسس این اتحادیه به اسم صدیق کریمی به اداره اطلاعات رژیم در سنجند اجساد و بازجویی شد.

خواستههای کارگران اخراجی نساجی عبارت بودند از:  
۱- ابقا بکار همه کارگران اخراجی و تعلیقی نساجی کردستان  
۲- در صورت عدم ابقا در کار، برقراری بیمه بیکاری برای همه

طبق خبری که در اطلاعیه هیئت موسس اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار آمده است کارگران نساجی کردستان در پایان این تجمع

اعلام کردند تا رسیدن به خواسته هایشان به تجمعات خود ادامه داده و روز شنبه ۲۸/۱۱/۱۳۸۵ در مقابل اداره کل کار استان کردستان در ساعت ۹ صبح تجمع خواهند کرد. همچنین در این تجمع فرم عضویت اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در میان کارگران پخش گردیده و با استقبال پر شور کارگران مواجه شده است.

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۵ بهمن ۱۳۸۵ - ۱۴ فوریه ۲۰۰۷

## کارفرمای کارخانه آجر پزی "شیل" ۸ نفر از کارگران این کارخانه را اخراج کرد

اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهایشان اعتصاب کردند. عصر روز چهارشنبه کارفرما این کارخانه با تهدید به اخراج کارگران اعلام کرد اگر اعتصاب را ادامه بدهند همه کارگران را اخراج میکند. کارگران این کارخانه اعلام کردند به شرطی کار را از سر میگیرند که دستمزدها معوقه سه ماه گذشته آنها پرداخت شود. کارفرمای این کارخانه قول داد دستمزدها را پرداخت کند.

کارخانه آجرپزی "شیل" در ۵ کیلومتری جنوب شهر سنندج در مسیر جاده کامیاران قرار دارد. این کارخانه حدود ۱۰۰ نفر کارگر دارد. حدود ۲۰ نفر از این کارگران عراقی هستند و به دلیل "خارجی" بودن هر اعتراض آنها با تهدید کارفرما روبرو میشود و به آنها میگویند اداره اطلاعات را خبر میکنند که اقامتشان را لغو کند. کارگران این کارخانه روزهای سه شنبه و چهارشنبه هفته گذشته در

ماه ۱۳۸۵ نامه اخراجی هشت نفر از کارگران این کارخانه تحویل آنها داده شد و اجازه ورود به کارخانه به این کارگران داده نشد. کارگران اخراجی عسارتند از: ۱- محمدصدیق رحیمی ۲- امید علی پناه ۳- هیوا وفایی ۴- بهزاد خسروی ۵- مجید صالحی ۶- محمدساعد موچشی ۷- ابراهیم اکبری ۸- ارسلان صالحی این کارگران با در دست داشتن نامه اخراجی خود بلافاصله به اداره کار سنندج مراجعه کردند. مسئولین اداره کار تنها کاری که کرده اند یک فرم به هر کدام از آنها داده اند که پر کنند. کارگران در

روز پنجشنبه یعنی یک روز بعد از پایان اعتصاب خبری از پرداخت دستمزدها نشد. در همین روز یک هیئت مرکب از مدیر عامل کارخانه و مدیرعامل شرکت تعاونی وزارت نیرو از تهران به این کارخانه آمدند. کارگران در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدها سه ماه گذشته خود تجمع کردند و اعتراض خود را به این هیئت اعلام کردند. به دنبال تهدید کارفرما به اخراج کارگران، امروز سه شنبه ۱ اسفند

اعتراض به این اقدام سرکوبگرانه کارفرمای کارخانه شیل و کیل گرفته و از او شکایت کرده اند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت قاطع از کارگران اخراجی از همه کارگران و تشکلهای کارگری میخواهد به این اقدام ضد کارگری کارفرما و دولت اعتراض کنند. کارگران کارخانه شیل باید فوراً به سر کار خود بازگردند و دستمزدهای معوقه آنها باید فوراً پرداخت شود.

کمیته کردستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ اسفند ۱۳۸۵  
۲۰ فوریه ۲۰۰۷

## دو روز اعتصاب اخطاری و قدرتمند معلمان

از صفحه ۱

به ما نرسیده است. علاوه بر تهران، شهرهای کرمانشاه، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز و شهرهای جنوبی فارس نیز به اعتصاب دو روزه پیوستند و اعتصاب قدرتمندی را سازمان دادند. امروز در سطح شهر تهران همه جا بحث از اعتصاب معلمان بود. افزایش حقوق، اجرای لایحه مدیریت خدمات کشوری یعنی همسانسازی حقوق خود با دیگر کارمندان دولت، ایجاد تسهیلات لازم برای تامین مسکن و پرداخت کمک و یارانه های مسکن و بیمه های درمانی رایگان اعم خواستههای معلمان را تشکیل میدهد. معلمان

در روزهای ۳ و ۱۵ بهمن نیز در اعتراض به وضعیت اسفبار خود دست به تجمعات اعتراضی در مقابل مجلس اسلامی زده بودند. در تجمع روز ۱۵ بهمن بیش از هزار نفر شرکت داشتند و از شهرهای مختلف تعدادی از معلمان بعنوان نمایندگان تشکل های صنفی معلمان در آن شرکت کرده بودند. در این تجمع معلمان اخطار کردند که چنانچه به خواستههای آنها تا ۲۵ بهمن رسیدگی نشود روز ۳۰ بهمن و اول اسفند دست به اعتصاب سراسری خواهند زد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۱ اسفند ۱۳۸۵  
۲۰ فوریه ۲۰۰۷

### شماره حساب های بانکی حزب:

انگلیس:

Account nr. 45477981  
Sort code: 60-24-23  
Account holder: WPI  
Branch: wood green  
Bank: Nat West

سوئد:

بست حیرو 3-60 60 639  
صاحب حساب IKK

آلمان:

Dariusf safa  
Konto Nr.:894922303  
Kredit Institut  
Post bank Hannover  
BLZ:25010030

کانادا:

TD Canada Trust  
A. Milnik  
transit#1672  
Institution#504  
Acc#6235975



## شمامه قربانی قوانین وحشیانه و سنتهای ارتجاعی

**شمامه عزیز از حق خودت دفاع کن! ما از تو دفاع میکنیم و برای آزادی تو از زندان تلاش میکنیم! دادگاه نهایی روز ۱۲ اسفند ماه است.**



این زن زیبا، ملک قربانی است. شمامه اسم مستعار اوست و سرنوشت او نمونه مجسم بدبختی و رنج و مرارت زن بودن در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است. شمامه یکی از قربانیان سنتها و فرهنگ عقب مانده و ضد زن اسلامی است.

خدمت کند. شمامه ظاهرا به یک نفر دیگر علاقمند میشود و فاجعه آغاز میشود. یک روز که او در خانه بوده و مرد دیگری نزد او بوده، همسر و برادرش وارد منزل شده و هر دو اینها را با چاقو بشدت زخمی میکنند. مردی که در منزل شمامه بوده به قتل میرسد و شمامه در بیمارستان بعد از چند روز بیهوشی، مجدداً به این زندگی پر از بدبختی و فلاکت باز میگردد.

این بار جلادان حکومت اسلامی او را دستگیر میکنند و در یک دادگاه فوری به سنگسار محکومش میکنند. به او میگویند اگر چاقوی تعصب و مردسالاری و عقب ماندگی بر تن تو کارگر نشد و زنده ماندی، این بار سنگسار از سوی حکومت اسلامی، از سوی مدافعین سرسخت قتلهای ناموسی و کشتار زنان، از سوی حکومت فاشیست اسلامی اجرا میشود و تو را بدلیل و یا به "اتهام" دوست داشتن یک نفر به قبرستان میفرستیم.....

شمامه اکنون در زندان ارومیه است و با چشمهای زیبایش به بیرون از زندان چشم دوخته است.

او در زندان برای نجات جان برادرش، فوراً اعتراف به "زنا" کرد. تا جرم برادرش که یک نفر را به قتل رسانده، کمتر بشود. در جلسه دادگاه اول او، دفاع وکلای پرونده و همچنین ترس حکومت اسلامی از اجرای حکم سنگسار، میرفت تا شمامه را تبرئه کند، اما پدر و خانواده او از او میخواهند که وکلای خود را رد کرده و درخواست اجرای حکم سنگسار برای خود نماید.

کمیته بین المللی علیه سنگسار اما از وکلای پرونده درخواست کرده است که به فعالیتهای خود برای نجات جان شمامه ادامه دهند. ما به شمامه در زندان پیغام داده و به او گفته ایم که:

در بیرون این زندان مخوف و وحشتناک، اما نور امید هست. در بیرون این زندان مهمتر از همه اینکه تو را به عنوان انسان به رسمیت می شناسند، و عشق و عواطف تو را درک میکنند. به توحق میدهند که دوست داشته باشی و مورد عشق و محبت قرار بگیری. به توحق میدهند که به خودت به چشم یک انسان نگاه کرده و هر آنچه اتفاق افتاده را بررسی کرده و بگویی من بی گناهم. من در مرگ هیچکس و یا اعدام و قتل هیچ فردی نقشی نداشته و ندارم. من قربانی زن ستیزی، قربانی مردسالاری، قربانی حکومت فاشیست و ضد زن اسلامی و قربانی سنتهای عقب مانده و ارتجاعی ام.

هفته گذشته شمامه نامه ای نوشت و گفت سنگسارم کنید!!!!!! گفت که از این زندگی خسته شده ام و گفت در این دنیای نکبت و پر از دروویی و بیرحمی، در

این دنیای ساخته دست آخوند و مذهب و اسلام و پاسدار و متعصبین مذهبی جایی برای او نیست و میخواهد برود.

ما با خانواده و مادر و برادرو پدر شمامه حرف زده ایم. آنها از سنگسار شمامه دفاع میکنند. متأسفانه بانی و باعث همه فجایع در خانواده خود را شمامه میدانند. این یک فاجعه دیگر است. افکار و سنتهای عقب مانده، ناموس پرستی و به ملک قربانی به چشم یک جانی نگاه کردن، آخرین چیزی است که این زن در آستانه سنگسار شدن به آن محتاج بود...

این بار یک زن از زندان ارومیه فریاد دادخواهی سر داده است. او میگوید سنگسارم کنید، برای اینکه نشان دهد که این جامعه و این قوانین و این سنتها تا چه حد وحشیانه و ضد انسانی است. او میگوید سنگسارم کنید تا افکار و ذهنهای بیشتری را بسوی خود جلب کند.

ما برای نجات جان ملک قربانی از چند ماه قبل کمپینی را اعلام کرده و اکنون میخواهیم این فعالیتها را گسترش داده و شمامه را از دست جلادان و جانینان اسلامی و همچنین متعصبین و منتظرین اجرای قتل ناموسی نجات دهیم.

برای نجات جان این زن جوان که در تنهایی و خلوت خود، خواهان سنگسار شدن است، به پا خیزیم. با مجموعه آکسیونها و فعالیتهای خودمان نشان دهیم که ما هستیم و از او دفاع میکنیم.

برای نجات جان شمامه با دامن زدن به کمپین ارسال نامه برای

شمامه و ابراز همستگی با او، با اعمال فشار به حکومت جنایت اسلامی و با ارسال نامه اعتراضی بر علیه حکم سنگسار او و ملاقات با نهادهای مدافع حقوق انسانی و.... کاری کنیم که شمامه از زندان نجات یابد.

دستهای بسیاری برای کمک به شمامه بسوی او دراز خواهد شد. ما به شمامه پیغام داده ایم که میلیونها نفر از او دفاع خواهند کرد. و او را از زندان و سنگسار نجات خواهیم داد. کمک کنید این زن جوان را نجات دهیم.

برای او نامه بنویسید، ما این نامه ها را به دستش خواهیم رساند.

به او بگویید که ما در بیرون از زندان دوستش داریم و برای نجات او تلاش میکنیم. بگویید که دنیا به آخر نرسیده و هزاران نفر برای نجات او تلاش خواهند کرد. دادگاه شمامه یک ماه دیگر است. به او بگویید که امکان زندگی بعد از آزادی برای او فراهم خواهد شد. پس باید خودش بماند و مبارزه کند.

برای لغو حکم سنگسار شمامه بهر طریق ممکن اقدام کنید. ارسال نامه اعتراضی، پخش خبر این حکم، ملاقات با نهادهای متعدد مدافع حقوق انسانی و اعمال فشار بیشتر بر علیه حکومت اسلامی ایران. این تنها راه نجات شمامه جوان از سنگسار است.

**مینا احدی**  
کمیته بین المللی علیه سنگسار  
۱۷ فوریه ۲۰۰۷

تلفن تماس:  
۰۰۹۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

از سایت های حزب کمونیست کارگری ایران دیدن کنید

[www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

[www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

برنامه های رادیو انترناسیونال

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران روی طول موج ۴۹ متر برابر با ۶۲۲۵ کیلوهرتز

**مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**